

آثار دنیوی تقوا

معصومه مصباح^۱

چکیده

تقوا از مباحث اخلاقی و تربیتی است که با آن، ارزش و شخصیت انسان نزد خداوند بیشتر می‌شود. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از منابع اخلاقی، آثار دنیوی تقوا را بررسی کرده و در این راستا به تعریف و حقیقت انواع تقوا و همچنین آثار دنیوی تقوا اشاره می‌کند. تقوا، یعنی حفظ کردن خویش از عذاب الهی با اطاعت از اوامر خدا و ترک نواهی. تقوا چند نوع است مانند تقوای روحی، قلبی، فکری و لفظی. بی‌اعتنایی به ثروت، رفع فقر و ذلت، در امان ماندن از وسوسه‌های دشمنان، نجات از سختی‌ها، گشایش کارها، وسیله روزی حلال و... از آثار دنیوی تقواست.

واژگان کلیدی: تقوا، آثار دنیوی قلبی، لفظی، روحی فکری، حقیقت.

۱. مقدمه

تقوا از موضوعات مهم اخلاقی و نیرویی الهی است که با آن، تمام درهای غیب به روزی انسان گشوده می‌شود و آدمی در سایه آن، حقایق را دریافت کرده و به نور مطلق هستی می‌پیوندد. تقوا، یعنی خویشستن داری و حفظ خویش از عذاب الهی با اطاعت از اوامر خدا و ترک نواهی او بر اساس همین معنی و مفهوم. چون عوامل و متاع‌های زندگی دنیوی برای انسان زیبا و آرایش شده است، استفاده از متاع دنیا در حد قانونی و شرعی، نیازمند تعادل است. زهد و تقوا در همین مسیر کاربرد دارد و این متاع دنیا، عوامل و انگیزه‌های گناه است که انسان را به اسراف و ظلم به نفس وامی‌دارد. با توجه به اینکه انسان باید در جامعه‌ای تکامل یافته زندگی کند تا بتواند در راه کمال، استعدادهایش را به فعالیت و تحرک برساند، وظیفه هر انسانی است که ضمن آراستگی خویش به تقوای الهی، این خصیصه مهم اخلاقی را به افراد جامعه نیز بشناساند و شر هر دشمنی را از تمام زوایای حیات قطع کند.

در بسیاری از آیات قرآن، به موضوع مهم تقوا تأکید شده، همچنین اهل بیت علیهم‌السلام به این

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، از افغانستان.

موضوع اهمیت داده و درسرخنان خود از جهات مختلف به این مسئله تأکید کرده‌اند. علما و بزرگان دین نیز تألیفاتی در این مورد دارند مانند کتاب *تقوا* از محمدعلی رضایی، گهرهای نایاب از غلامرضا نیشابوری و *راه بهشت* از رضا جاهد.

با توجه به اهمیت این موضوع و نیاز شدیدی که افراد به این موضوع اخلاقی دارند، این پژوهش به آثار دنیوی تقوا پرداخته و آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان ارائه شده تا خوانندگان بتوانند با مطالعه آن، از معارف مورد نیاز در این مورد بهره‌مند شوند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تعریف تقوا

تقوا یعنی، خویشتن‌داری با حفظ خویش از عذاب الهی، قهر خدا و دوری از خدا با اطاعت از اوامر او و ترک نواهی بر اساس همین معنی و مفهوم. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲) تقوا در اصطلاح شرعی یعنی، نگهداری نفس از چیزی که موجب گناه شده و گرفتار خشم و غضب الهی می‌شود. برای دستیابی به تقوا و رهایی از خشم و غضب الهی باید از هر آنچه خداوند از آن باز داشته، پرهیز کرده و به هر چه فرمان داده عمل کند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

۲-۱-۱. تقوا از دیدگاه قرآن مجید

هر چند این مطلب نزد اهل ایمان روشن است، ولی برای تذکر و یادآوری، بعضی از خواص آن که در قرآن مجید آمده، به طور خلاصه بیان می‌شود.

- خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای آدم به حقیقت فرو فرستادیم برای شما پوششی که بپوشد شما را و زینت دهد بر شما و بدانید که لباس تقوا، بهتر از هر لباسی است و آن از آیات‌های خداست». (اعراف: ۲۵)

- تقوا باعث یاری خداوند در تمام امور است.

- کرامت، در پرتو تقوا حاصل می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند با تقواترین

شماست». (حجرات: ۱۳)

- تقوا در انفاق. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اما آنکه حق خدا را داد و پروا داشت و پاداش

نیکوتر را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت». (لیل: ۵-۷)

- تقوا، مورد مدح و ثنای خداوند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر صبر کنید و پرهیزگار باشید،

از استواری دین و نشانه‌های ثبات بر آن و یا از حقایق ایمان است». (آل عمران: ۱۸۶)

۲-۱-۲. تقوا از دیدگاه روایات

رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ نیز در این مورد، اخبار و احادیث زیادی دارند.

امام حسین ﷺ می‌فرماید:

شما را به تقوا وصیت می‌کنم. به درستی که خداوند برای پرهیزگار ضامن شده که او را از آنچه دوست دارد، بگرداند و روزی دهد از جایی که گمان ندارد و ثواب‌هایی که نزد اوست، به کسی نمی‌رسد مگر به سبب بندگی و اطاعت او. (قمی، ۱۳۷۳، ۶۸۷/۲)

پیامبر اسلام ﷺ به این موضوع اهمیت زیادی داده و در خطبه‌های متعددی به آن اشاره کرده که برای نمونه به یکی از آنها اشاره می‌شود.

آن حضرت در حجه الوداع، در میان گروهی از مسلمانان که در آنجا حاضر بودند، خطبه مفصلی خواند و بعد فرمود، ای مردم بدانید که پروردگار شما یکی است. پدر شما نیز یکی بوده و آن هم آدم ابوالبشر است و همه فرزندان آدم هم از خاک خلق شده و فرقی با هم ندارید و گرمی‌ترین شما، بر دیگری جز تقوا برتری و مزیت ندارد. (پاینده، ۶۷۵/۲، ۱۳۵۲)

۳-۱-۲. تقوا از دیدگاه مفسران

تقوا، از واژه‌هایی است که در میان خواص و عامه مردم استفاده می‌شود. برای روشن شدن معنای تقوا به نظرات مفسران اشاره می‌شود.

- علامه طریحی رحمه الله فرمود: «تقوا در قرآن به چند معنی آمده است. خشیت، هیبت و ترس و بیم». خداوند در قرآن می‌فرماید: «و از قهر من پرهیزید». (بقره: ۴۱)

- راغب می‌گوید: «تقوا، یعنی وقایه، نگهداری و حفاظت از آنچه می‌ترسد». (راغب اصفهانی،

۱۴۱۶، ص ۸۸۱)

- علامه مجلسی رحمه الله در مورد تقوا می‌گوید: «تقوا از وقایه است و آن در لغت، تشدید در مراقبت است و در مفهوم عرفی، صیانت از نفس است که به آن آسیب می‌رساند و محدود کردن آن در چیزهایی است که به حال آن سودمند است». تقوا سه مرتبه دارد. اول نگه داشتن نفس از عذاب جاودانه با تصحیح عقاید و باورهای ایمانی. دوم کناره‌گیری و اجتناب از هر چیزی که انجام یا ترک آن سبب گناه می‌شود. سوم نگه داشتن و مراقبت از هر چیزی که قلب را به جز حق، مشغول کند و این درجه خواص، بلکه درجه برتر از خواص است. (قمی ۱۳۷۳، ۶۷۸/۲)

۲-۲. حقیقت تقوا

تقوا از نظر درجه دو نوع است. تقوای ضعیف و تقوای قوی. در تقوای ضعیف، فرد برای اینکه خودش را از آلودگی‌های گناه حفظ کند، از علت‌های گناه فرار کرده و خودش را همیشه از مکان معصیت دور نگه می‌دارد. در تقوای قوی، فرد در روح خود، قوتی به وجود می‌آورد که به او این قدرت را می‌دهد که مصونیت روحی و اخلاقی داشته باشد. مصونیتی که اگر در مکانی قرار گرفت که علت گناه فراهم بود، آن حالت روحی، او را حفظ می‌کند و مانع از آلودگی و گناه می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۸)

از امام صادق (ع) درباره معنی تقوا پرسیدند و امام (ع) فرمود: «هر جا که امر و دستور خداست، حضور داشته باش و جایی که نهی خداست، حاضر نباش، یعنی امرهای خدا را به جای بیاور و نهی‌های خدا را ترک کن (قمی، ۱۳۷۳، ۶۷۸/۲).

حقیقت تقوا، همان روحیه قوی است که انسان را از گناه و معاصی حفظ می‌کند، پس می‌توان گفت که تقوا، یعنی حفظ کردن خویش از چیزی که انسان از آن می‌ترسد. تقوا در واقع چیزی جز حرکت در راه راست نیست که این راه شامل همه آن چیزی است که انسان‌ها از آن به دین مقدس اسلام یاد می‌کنند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

۳-۲. انواع تقوا

۲-۳-۱. تقوای روحی

تقوای روحی، یعنی انسان باید آنقدر روح و نفس خود را تقویت کند، که تقوا در روحش به شکل یک ملکه به وجود آمده و از آلودگی‌های گناه و معاصی حفظ شود. در نتیجه، فرد یک روح پاک داشته که با آن، به خدا نزدیک شده و راه تکامل و سعادت را طی کند. (داستانی بی‌نی‌سی، ۱۳۵۹، ص ۶۹) لباس و جامه تقوا، زیباترین و بهترین لباس برای روح و روان مؤمن است. این جامه نه تنها محدودیت نمی‌آورد، بلکه برای انسان، نعمتی بزرگ است. آنان که این لباس را به تن کرده‌اند، از همه بدی‌ها و اشتباهات در امان می‌مانند و با آن به سزاوارترین درجه و رتبه کمال و انسانیت خواهند رسید (نیشابوری، ۱۳۸۹، ص ۳۰۲).

امام علی (ع) می‌فرماید: «جامه تقوا، شریف‌ترین جامه هاست». مراد از جامه تقوا، پرهیزگاری است که به لباس یا جامه، تشبیه شده است. به اعتبار اینکه فروگیرد صاحب خود را و همیشه در کنار او باشد مثل لباس (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۳۴۶/۲).

۲-۳-۲. تقوای قلبی

از مواردی که انسان باید در آن پرهیزگاری را رعایت کند، پاکی قلب است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کسی که کم کند پرهیزگاری و تقوایش را، می میرد قلب او». (برازش، ۱۳۷۱، ۳/۳۰۹) بشر همیشه مورد حمله شیطان است. او باید خیلی مراقب باشد که مبادا شیطان، به انسان حمله کرده و او را اسیر خود کند و یا به هلاکت برساند. (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲) قرآن کریم می فرماید: «کسی که تعظیم کند و بشناسد علامت های خدا را، پس به درستی که تقوا در دل او برقرار است» (حج: ۳۲).

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «پس کسی که تقوا و پرهیزگاری را شعار دل خود قرار دهد و در اعمال صالح از دیگری سبقت گرفته و اعمال و کردارش رستگار گردید، پس غنیمت دانید تقوا را و برای بهشت کار بهشت کند» (شریعتی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۸). دلی که به خاطر معصیت تیره شد، سخت می شود و دیگر در آن، عشق به خدا و ائمه علیهم السلام و عاطفه جایی نخواهد داشت. (جاهد، ۱۳۷۵، ص ۷۹)

۲-۳-۳. تقوای مغزی و فکری

یکی از بهترین و سزاوارترین نعمت های آفریدگار که انسان را از دیگر موجودات جدا کرده و او را اشرف مخلوقات قرار داده، قدرت اندیشیدن است. اگر انسان از این موهبت الهی درست استفاده کند، به عالی ترین درجات انسانیت و کمالات و حتی به بالاترین درجه و رتبه پرهیزکاری می رسد. فکرکردن، باید به روش درست و به آن صورت که خدا می پسندد باشد، نه اینکه در برابر این نعمت خداوند کفران شود و بشر در راه معصیت و گناه و اعمال خلاف شرع، تفکر کند. مانند فکرکردن درباره اینکه چگونه مردم را فریب دهد. چنین فردی، در مورد عمل و کردارش، نه تنها فکر نمی کند، بلکه اگر تفکر کند، فکر و تفکر او گناه است. (جاهد، ۱۳۷۵، ص ۸۵-۸۷)

تقوای مغزی و فکری، تقوایی است که بشر از هرگونه مخاطره و خطرات مغزی و فکری دوری کرده و به فکرهای نامناسب و زشت نمی پردازد. فردی که تقوای فکری دارد، حتی با اعضای بدنش هم گناه نمی کند، بلکه این انسان، فکرانجام دادن گناه و معصیت را به مغز خودش راه نخواهد داد. (داستان بی نی سی، ۱۳۵۹، ص ۷۰)

۲-۳-۴. تقوای لفظی

زبان، یکی از وسایل با ارزش تزکیه انسان است که برای امر به معروف و نهی از منکر و مسائل اخلاقی استفاده می شود. انسان ها به دلیل داشتن چنین نعمت بزرگی، باید همیشه خداوند

مهربان را شکر کنند و زبان را در اختیار داشته باشند. (جاهد، ۱۳۷۵، ص ۴۱)

تقوای لفظی در دین اسلام و قرآن و اهل بیت علیهم السلام بسیار سفارش شده، ولی انسان ها اهمیت زیادی به این موضوع نداده و مراقب سخن گفتن خود نیستند. برای خود و دیگران اسباب ناراحتی فراهم می کنند.

خداوند متعال می فرماید: «... دشنام و فحش ندهید. آنان که غیر از خدا را پرستش می کنند، به کلمه زشت و قبیح یاد نکنید که آنها از روی بی دانشی در مقابل گفته های شما به خدا بد می گویند...» (انعام: ۱۰۸).

ایمان و کفر، وابسته به همین زبان است و راهنمایی شدن و گمراه شدن، از آن حاصل می شود. در جایی آمده است که زبان است که در همه چیز تصرف می کن، پس قبل از سخن گفتن، فکر کن و گفتارت را وزن کن و آن را بر قوه عاقله عرضه کن. (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۰)

تقوای لفظی اهمیت بسیاری دارد و هر مسلمان باید آن را به کار گرفته و از فحش دادن و حرف های زشت خودداری کند و از این راه لطمه و صدمه ای به شخصیت خود و دیگران نزده و دیگران را وادار به مقابله به مثل نکند. (داستان بی نی سی، ۱۳۵۹، ص ۸۵)

۴-۲. آثار دنیوی تقوا

موضوع تقوا هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت اهمیت دارد. بنابراین، در قرآن و روایات، ثمرات بسیاری برای آن ذکر شده است.

۴-۲-۱. تقوا باعث بی اعتنائی به ثروت

تجربه ثابت کرده که ثروت، یکی از عوامل بسیار مهم ایجاد طغیان است و اگر انسان در بند تقوا نباشد، از ضربه های سخت آن در امان نخواهد بود. قرآن می فرماید: «باز چرا انسان از کفر و طغیان نمی ایستد و سرکش و مغرور می شود، چون به غنا و دارایی می رسد» (علق: ۶-۷).

وقتی انسان به دلیل ثروت، احساس بی نیازی کرد، از مدار انسانیت خارج شده و به کمک مال و ثروت، به هر کار غلطی دست زده و خودش را به هر گناهی آلوده می کند. چه بسیار جنایاتی که تاریخ نویسان، از بیان آن به خود می لرزند. این نتیجه ثروتی است که به دست مردم بی تقوا و آلوده قرار می گیرد. (انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۶۸)

۴-۲-۲. تقوا، عامل رفع فقر و ذلت و خواری

فقر و بدبختی، به وجود آورنده گناه و زشتی است. اگر هنگام فقر، انسان تقوا و پرهیزگاری نداشته باشد، برای جبران فقر خود، به هر بیچارگی و خواری دست زده و به خراب کردن دنیا و آخرت خود

بلند خواهد شد. (انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۶۹). امام علی علیه السلام درباره فقر می فرماید: «فقر مرگ بزرگی است» (مجلسی، ۱۳۶۱، ۷/ ۵۳).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «فقر به منزله کفر است» (قمی، ۱۳۷۳، ۲/ ۳۷۸). کسی که به خاطر خوش گذرانی نفس، شرف، فضیلت و انسانیت خود را به شیطان و نفس می فروشد، باید با نفس خود مبارزه کرده و فقر را بدبختی خود نداند. باید بر این نداشتن خود، حوصله کرده و به آن مقدار که در زمان فقر خود دارد، قناعت کند، پس اگر انسان در این راه صبر و تقوا داشته باشد، به سعادت و رستگاری در همین دنیا خواهد رسید (انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۶۹).

۳-۴-۲. تقوا وسیله در امان ماندن از وسوسه های شیطان

قرآن کریم به شیوه های مختلف، راه های غلبه بر نیرنگ و وسوسه های دشمنان را به انسان یاد داده است. از جمله در آیه ای ضمن اشاره به اهمیت تقوا می فرماید: «... ای مومنان! اگر صبر و بردباری و تقوا پیشه خود سازید، از شر دشمنان حفظ می شوید» (آل عمران: ۱۲۰).

یعنی با داشتن سپری مثل تقوا، سعی و کوشش گناهکاران و وسوسه های دشمنان و شیطان نمی تواند ضرر و زیانی به پرهیزگاران برساند و آنها با سپر خدادادی، می توانند در این دنیا به سعادت و کمالات انسانی برسند، پس راه رسیدن به تقوا، واضح و روشن بوده و رونده آن راه، برنده سود در دنیا خواهد بود. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵)

۴-۴-۲. تقوا، سبب نجات از سختی ها و گشایش کارها

از جمله آثار تقوا، به وجود آمدن آرامش و راحتی در هنگام بدبختی ها و سختی هاست. فردی که خود را از اهل تقوا و پرهیزگاران بداند، در هنگام بلاها که همه می ترسند، او در آرامش به سر می برد و حتی باعث می شود که افراد دیگر را هم تحت تأثیر خود قرار دهد. آرامش از چنین افرادی هرگز دور نخواهد شد و آشوب و ترس به دل راه نخواهد یافت و آنها به خدا ایمان دارند و خویشتن دار هستند و کارهای خود را بر پایه حکمت و عقل ارزیابی می کنند؛ زیرا منشأ همه چیز و همه کارها را خداوند مهربان می دانند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۸۰)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... و هر که تقوای الهی داشته، خداوند برای او راه بیرون شدن و خلاصی را قرار دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی رساند». (طلاق: ۲) این مطلب به روشنی و وضوح می گوید که تمام سختی های زندگی و مشکلات، به دلیل بی تقوایی و انحرافات است، ولی انسانی که با تقوا و پرهیزگار بوده و همیشه و در همه حال تقوای الهی را داشته باشد، نه تنها سختی و مشکلات ندارد، بلکه در آسایش و راحتی روحی و جسمی خواهد

بود، پس فرد خویشتن دار، اگر تقوای الهی را پیشه خود کرد، از سختی ها و گرفتاری ها نجات خواهد یافت. (تویرسانی، ۱۳۷۴ ص ۴۰)

یکی از اثرات معنوی تقوا و پرهیزگاری، گشایش در کارهاست. اگر انسان ها پاک و زلال زندگی کنند، گرهی برای آنها پیش نمی آید و اگر پیش آید، حل شدنی است. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸)

قرآن کریم می فرماید: «... کسی که تقوای الهی را پیشه خود سازد، خداوند کارها را برای او سهل و آسان می گرداند». (طلاق: ۴) خداوند در قرآن می فرماید: «و از آنچه خداوند روزی شما قرار داده، حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که به او ایمان دارید، پروا دارید» (مائده: ۸۸).

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «مال، برای تقوای الهی چه نیکو یاوری است». (پاینده، ۱۳۵۲، ۶۳۳/۲) این به دلیل آن است که انجام اعمال و وظایفی که خدا دستور داده، با مال حلال و پاکیزه، بهتر به انجام می رسد. خداوند به دلیل نعمت هایی که به انسان داده، از بشر می خواهد که نعمت ها و موهبت ها را برای کسب رضایت الهی و بسیاری از موارد دیگر که حلال باشد، مصرف کنند و به این افراد، اجر و ثواب الهی نیز تعلق خواهد گرفت.

۲-۴-۵. تقوا، سبب درمان بیماری ها

اعمال ناپسند مانند حسد، کینه و امثال اینها بیماری های نفسانی هستند. نفوس این افراد، نه مجاز، بلکه مریض است. بیماری های جسمانی، نفس را غمگین می کند و بیماری های نفسانی، روی جسم و اعصاب انسان ها تأثیر می گذارند. منشأ بیشتر مرض های جسمانی مثل زخم و تورم معده و روده، بسیاری از اعمال زشت مثل حسد و خشم است.

داروی شفابخش بیماری های نفسانی، پرهیزگاری است؛ زیرا بسیاری از بیماری های نفسانی و روانی وضع اعصاب، از اخلاق و رفتار زشت و ناپسند است. (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳-۱۴۴) حضرت علی علیه السلام در مورد تقوا می فرماید: «تقوا درمان بیماری های اجسام شما و اصلاح کننده فساد قلوب شما و پاک کننده آلودگی های نفوس شماست» (شریعتی، ۱۳۸۲، ص ۵۳۲). تقوا و پرهیزگاری، در درمان بیماری های جسمانی و روانی انسان و بهداشت و سلامت او تأثیر زیادی دارد.

۲-۴-۶. تقوا، سبب آزادی و عزت انسان

ممکن است انسان فکر کند که ورع و پرهیزگاری، آزادی و راحتی را از انسان می گیرد و برای افراد قید و بند و محدودیت به وجود می آورد، ولی اسلام، این عقاید باطل را رد کرده و می گوید: «تقوا سبب آزادی و عزت و بزرگواری می شود و انسان بی تقوا را برده می داند». (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «شرافتی بالاتر از اسلام نیست و عزتی عزیزتر از تقوا و پناهگاهی بهتر از

ورع وجود ندارد». (شریعتی، ۱۳۸۲، ص ۹۴۴) تقوا انسان را محدود نکرده و آزادی را از او نمی‌گیرد، بلکه او را از اسارت شهوت‌ها و غضب‌ها آزاد کرده و به او کمک می‌کند تا بر غریزه‌ها و نیروهای طغیان‌گر نفسانی پیروز شود (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲).

قرآن کریم می‌فرماید:

آیا می‌بینی کسی را که خدایش را هوای نفس خویش قرار داده و با اینکه علم دارد خدا او را گمراه کرده و بردل و گوش او مهر نهاده و بر چشمش پرده ظلمت کشیده است، پس چه کسی بعد از خدا او را هدایت می‌کند؟ آیا پند نمی‌گیرید. (جاثیه: ۲۳)

هوای نفسانی، شخصیت و وجود انسان و عقل او را در بند خود می‌گیرد و برای آزاد شدن آن، تنها یک راه وجود دارد و آن تقوا و پرهیزگاری است، پس تقوا، محدودیت نمی‌آورد، بلکه به انسان آزادی و عزت و بزرگواری می‌بخشد. (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳)

۷-۴-۲. تقوا، باعث بصیرت و بینایی عقل

از آیات قرآن و روایات معلوم است که پرهیزگاری، به فرد بصیرت و بینش عطا می‌کند تا مصالح واقعی دنیا و آخرت خودش را بشناسد و دنبال کند. خداوند می‌فرماید: «ای اهل ایمان! اگر تقوا پیشه کنید خدا برای شما فرقان قرار می‌دهد...» (انفال: ۲۹). یعنی دیده بصیرت می‌دهد، تاراه خوشبختی و بدبختی را تشخیص دهد (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶). امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارشان نقل کرده‌اند که فرمود:

«برای فساد قلب چیزی از ارتکاب گناه بالاتر نیست و قلب با گناه درگیر می‌شود تا حدی که گناه، او را مغلوب کرده و زیر و رویش می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۱، ۵۴/۷۰).

از این آیات و روایات برداشت می‌شود که تقوا، سبب بصیرت و بینایی عقل شده و قدرت درک و فهم را زیاد می‌کند. عقل، گوهری است که در وجود بشر به امانت گذاشته شده تا انسان از طریق آن، سعادت و بدبختی و بد و خوب را بتواند بشناسد. صحیح است که حکومت بدن به دست عقل است، ولی غرایز نفسانی، از موانع بسیار بزرگ موفقیت است. اگر یکی از غرایز یا حتی همه آنها از حالت صحیح و اعتدال خودشان خارج شوند، دست به طغیان و بدبختی می‌زنند. در آن صورت، عقل چگونه می‌تواند در انجام وظیفه خودش موفق باشد. (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸)

تقوا، مؤثرترین و عالی‌ترین عوامل بصیرت و بینایی عقل و وظیفه‌شناسی است. تقوا، باعث زیاد شدن بصیرت، تشخیص وظیفه و شناخت باید‌ها و نبایدها در عقل عملی است نه در عقل نظری و درک حقایق. (امینی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹)

۲-۴-۸. تقوا، مانع گناه و تجاوز

قرآن می‌فرماید:

«مریم گفت، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم که تو پرهیزکاری کنی. روح القدس در پاسخ مریم گفت، من فرستاده خدای توام. آمدم به تو فرزندی بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت». (مریم: ۱۸-۱۹)

مریم کسی بود که همیشه پاک زندگی می‌کرد و در امان اولیای خدا بزرگ شده بود. همه از او به عفت و پاکدامنی یاد می‌کردند، ولی از اینکه مرد اجنبی و زیبایی وارد خلوتگاه او شود، ترس و وحشت زیادی داشت. این اولین لرزه‌ای بود که وجود مریم را گرفته بود و این زن پاکدامن، نام خدای بزرگ را می‌گوید و از همه عالی‌تر و بالاتر اینکه مریم، از ترس آن شخص به خدا پناه می‌برد. خدایی که در بدترین حالت‌ها با انسان است و قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست تا مشکلات را حل کند. مریم با گفتن این کلمات در انتظار این بود که ببیند این فرد غریبه چه اقدامی می‌کند. انتظاری که همراه با ترس و نگرانی بود، ولی طولی نکشید که در آن هنگام، مرد غریبه سخن گفت و مأموریت بزرگ خودش را اعلام کرد و قلب پاک مریم آرام گرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۱۳/۳۴) فردی که تقوا پیشه کند، حتی فکر گناه و تجاوز را در سر خود نخواهد داشت، و این مانعی برای او خواهد شد.

۲-۴-۹. تقوا، سبب عاقبت بخیری

خداوند از قول موسی علیه السلام نقل می‌کند که به قوم خود گفت:

«از خدا یاری بطلبید و شکویا باشید. به راستی که زمین، از آن خداست. به هر کس از بندگانش بخواهد، میراث می‌دهد، سرانجام پسندیده از آن صاحبان تقوا است». (اعراف: ۱۲۸)

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

دربنی اسرائیل مردی بود که می‌گفت سپاس و تشکر پروردگار جهانیان را و عاقبت با متقین است. ابلیس عصبانی شد و شیطان را به سوی او فرستاد و به او دستور داد که به آن شخص بگوید که عاقبت با ثروتمندان است، ولی مرد قبول نکرد و در آن صورت هر دو قرار گذاشتند که حق با هر کدام بود، دست دیگری قطع شود. رفتند و به شخصی رسیدند. آن شخص گفت عاقبت با اغنیاست. برگشتند در حالی که دست مرد قطع بود و می‌گفت عاقبت با متقین است. این جریان دوباره اتفاق افتاد و مرد دست دومش را هم از دست داد و پیوسته همین جمله را تکرار می‌کرد و حتی گفت اگر گردن مرا هم بزنید باز هم همین را می‌گویم. هر دو بیرون رفتند و شبی را دیدند. نزد او توقف کردند. آن مرد جریان خود را گفت و شیطان هم قصه را بازگو کرد. آن شب هر دو دست او را مسح کرد و به جای خود

برگشت. سپس گردن آن ناپاک، یعنی شیطان را زد. مرد گفت، چنین است سرنوشت متقیان. (مجلسی، ۱۳۶۱، ۶۷/۲۹۳-۲۹۴)

این مطلب به روشنی بیان می‌کند آنچه در جهان همیشگی است، حق و حقیقت است و آنچه بر مردم می‌گذرد، فانی شدنی است. اشیاء، بدون روح و حقیقت هستند، مثل زندگی دنیوی، لهُو و لعب، مال و ثروت و تنها چیزی که باقی است و انجام‌دهنده آن به رستگاری می‌رسد، راه سریع و عمل بدون انحراف و باطل است که پرهیزکاری هم آن را دارد. انسان، با عمل خوب و صحیح و تقوا در کارها، در این دنیا به یکی از چیزهای گران بها مثل عاقبت بخیری می‌رسد. (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ص ۴۶)

۲-۴-۱۰. تقوا، سبب نزول برکات

قرآن می‌فرماید:

«اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم، ولی آنها حقایق را تکذیب کردند. ما هم آنها را به کيفر اعمالشان مجازات کردیم». (اعراف: ۹۶)

از این آیه به وضوح معلوم است که ایمان و پرهیزکاری، سبب نازل شدن برکت‌های خدادادی می‌شود. هم باعث می‌شود آن چیزی که در اختیار انسان باشد، در مصرف مورد احتیاج و نیاز به کار گرفته شود. برای مثال، امروزه دیده می‌شود قسمت خیلی مهم از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر ساختن سلاح‌های نابودکننده، مصرف می‌شود. اینها مواهبی هستند که هیچ برکتی ندارند و خیلی زود از بین می‌روند و هیچ ثمره و نتیجه‌ای هم نخواهند داشت. فقط خلاfi و ویرانی به جای می‌گذارند، ولی اگر این جوامع انسانی ایمان و پرهیزکاری را برای خود بگیرند، این موهبت‌های خدادادی به شکل بهتری در خواهد آمد و آثار و اثرات آن باقی خواهد ماند و مفهوم و مصداق کلمه برکات را هم خواهد گرفت. اگر انسان، تقوا و پرهیزکاری را در زندگی خود به کار گیرد، خداوند هم برکات خودش را بر ما نازل می‌کند و آن را افزون‌تر خواهد کرد. (فرقانی کوه بیرونی، ۱۳۹۱، ۲/۱۸۳)

۲-۴-۱۱. تقوا، سبب کرامت و تحصیل قرب بیشتر به خدا

قرآن می‌فرماید:

ای گروه مردم، به راستی که ما شما را از مرد و زن، یعنی آدم و حوا آفریده‌ایم و شما را شعبه شعبه و فرقه فرقه و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به درستی که گرامی‌ترین شما در نزد خدا، باتقواترین شماست. به راستی که خداوند، دانای آگاه است. (حجرات: ۱۳)

در روایتی آمده است که فردی از حضرت عیسی علیه السلام پرسید کدام مردمان افضل اند. حضرت دو قبضه خاک برداشت و فرمود هیچ کدام از این دو قبضه بر یکدیگر برتری و رجحان ندارد، بلکه هر دو مساوی هستند. مردمان نیز چنین هستند. با کرامت ترین آنها، باتقواترین آنهاست. (کاشانی، ۱۳۸۸، ۴۳۱/۸)

در شأن نزول آیه ۱۳ سوره حجرات چنین گفته اند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بازار مدینه بود. غلام سیاهی را دید که می فروشد و غلام می گفت هر که مرا می خرد، باید از گذاردن نمازهای یومیه باز ندارد. مردی او را با همین شرط خرید و هر زمان که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز یومیه می خواند، این غلام شرکت می کرد. چند روز گذشت از غلام خبری نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله احوال او را پرسید. گفتند تب دارد. حضرت به عیادت او رفت. بعد از سه روز دیگر حال او را از مولای او پرسید. گفت فوت کرده. آن بزرگوار خودش متولی تکفین و غسل دادن او شد. مهاجر و انصار تعجب کردند. خداوند این آیه را نازل کرد و در آن فرمود نسب شرافت نمی آورد، بلکه فضیلت و کرامت از آن کسی است که باتقواتر است. (کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۴۳۰)

از ابی حمزه ثمالی نقل شده که امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «هیچ افتخاری برای قریشی بر عربی نیست، مگر به فروتنی و هیچ کرامتی نیست، مگر با تقوا و هیچ عملی نیست، مگر با نیت و هیچ عبادتی نیست، مگر با دانستن». (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۳۳/۱)

پس یکی از اثرات خویشتن داری، نزدیک تر شدن به خدا و به دست آوردن کرامت و بزرگواری است.

۳. نتیجه گیری

تقوای الهی، از امور ضروری و مهم زندگی انسان است. دستیابی به قرآن، به سادگی امکان پذیر نیست و کسی نمی تواند فقط با برخورداری از فضائل و خصوصیات اخلاق فردی، مدعی تقوا شود. تقوا، بیان گر دینداری شخص است و شخص در عمل به تقوا، خویشتن داری خود را به نمایش می گذارد. کسی که فاقد تقواست، فاقد دین در مفهوم قرآنی است. تقوا، آثار و فواید و برکات فراوانی برای انسان دارد. طبیعت آدمی منفعت جو و طالب سود و فایده است و تا فایده کاری را نداند، به آن دست نمی زند. قرآن و روایات، علاوه بر آنکه به ارزش و اهمیت تقوا، تفسیر آن و عوامل و موانع خویشتن داری اشاره می کنند، به تحلیل آثار تقوا در زندگی دنیوی و اخروی پرداخته و از این طریق در راستای تحریک انگیزه ها قدم بر می دارند.

این پژوهش نشان می دهد که انسان، در برابر مسائل و سختی ها، باید تقوا پیشه کند؛ زیرا تقوا، وسیله نجات از سختی ها و راه رسیدن به ثواب های الهی است و با پرهیزکاری در زندگی دنیا،

از نتایج ناراحت‌کننده ارتکاب گناهان، فرد متقی هم راحت خواهد بود.
 انسان‌های متقی که تقوا را انتخاب کردند، از بابت قلب، روح، فکر و زبان خود آسوده هستند؛
 زیرا سپری محکم مثل تقوا را دارند. دین اسلام که کامل‌ترین دین الهی است، تلاش کرده تا بشر
 را به سعادت دنیا و آخرت راهنمایی و هدایت کند.

منابع

- * قرآن کریم. (۱۳۹۳). مترجم مهدی الهی قمشه‌ای.
۱. اصفهانی، راغب (۱۴۱۶). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار الشامیه.
۲. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲). خودسازی و تهذیب نفس. قم: شفق.
۳. انصاریان، حسین (۱۳۷۶). نظام تربیت در اسلام. قم: ام اییها.
۴. برازش، علیرضا (۱۳۷۱). المعجم المفهرس لالفاظ غررالحکم و درر الکلم. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۵۲). نهج الفصاحه. تهران: جاویدان.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۷. جاهد، رضا (۱۳۷۵). راه بهشت. مشهد: سنا باد.
۸. حر عاملی، محمد (۱۴۰۳). وسائل شیعیه. بیروت: انتشارات احیاء التراث العربی.
۹. داستانی بی نی سی، اسد الله (۱۳۵۹). تقوا چیست و چگونه تقوا داشته باشیم. قم: طاهر نشر بنیس.
۱۰. رضایی، محمد علی (۱۳۸۷). تقوا. تهران: سروش هدایت.
۱۱. شریعتی، مهدی (۱۳۸۲). نهج البلاغه. تهران: فرهنگ مکتوب.
۱۲. شیخ الاسلامی تویسرکانی، حسین (۱۳۷۴). سفارش اهل بیت علیهم‌السلام یا نمونه ای از تقوا در قرآن و سنت. قم: انصاریان.
۱۳. فرقانی کوه بیرونی، رحمت الله (۱۳۹۱). مخزن المنابر. قم: دارالتفسیر.
۱۴. قمی، عباس (۱۳۷۳). سفینه البحار و مدینه الحکم والائثار. تهران: فراهانی.
۱۵. کاشانی، فتح الله (۱۳۸۸). تفسیر کبیر منهج الصادقین. تصحیح: غفاری، علی اکبر. قم: علمیه اسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۱). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). ده گفتار. تهران: صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. نیشابوری، غلامرضا (۱۳۸۹). گوهرهای نایاب (پژوهش نو در آیات و روایات تقوا). قم: سید جمال الدین اسدآبادی.

